


Reading the Co-occurrences of the Cause of Praised Happiness and Its Conceptualization in Verses and Narrations: A Case Study of the Words "Ḍaḥk", "Dā'ib", "Farḥ", and "Surūr"

Farhad Mohammadi Nejad * Assistant Professor, Department of Education and Theology, Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract

The verses of the Quran consist of interconnected sets of words or vocabulary that, when approached from the perspective of conceptualization, help in understanding the fundamental principles of the Quran. Without a precise conceptualization of words, a researcher cannot achieve a correct understanding of the Quran and will remain deprived of its dimensions. The present study aims to present and describe the concept of the co-occurrence of happiness in the Holy Quran and narrations while paying attention to the role of co-occurring combinations in practical issues.

1. Introduction

Happiness in the Quran and hadith is divided into two sections: praised and condemned. Praised happiness is that which accompanies divine and human objectives, in which a person becomes spiritually light-hearted and gains satisfaction with the conditions they find themselves in.

* Corresponding Author: f_mohamadinejad@pnu.ac.ir

How to Cite: Mohammadi Nejad, F. (2024). Reading the Co-occurrences of the Cause of Praised Happiness and Its Conceptualization in Verses and Narrations: A Case Study of the Words "Ḍaḥk", "Dā'ib", "Farḥ", and "Surūr" , *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 15(57), 39-68. DOI: 10.22054/RJQK.2024.70957.2919

Research Question(s)

This paper aims to answer the following question:

- What number of words in the Holy Quran and narrations indicates praised happiness?
- How can praised happiness and its conceptualization in the Holy Quran and narrations be examined?

2. Literature Review

To the extent that the author has investigated, no independent book or article has been written on this topic, but research has been conducted on the general topic of collecting the Quran. Some of these include:

1. Mohammadi Rey Shahri, 1391: In the book "The Pattern of Happiness according to the Quran and Hadith", he collects some verses and hadiths that refer to happiness, and he also discusses the obstacles to happiness and the treatment of sadness, the factors and etiquette of happiness.

2. Mardani Nokandeh, 1391: In the journal "Habl al-Matin", in a research titled "The Nature and Essence of Happiness in the Quran and Narratives and Ways to Live a Happy Life", he states that the religion of Islam, which pays attention to all the spiritual and physical needs of man, including happiness.

3. Veisi, 1392- Nogara Journal: In a research titled "Happiness and Joy from the Perspective of the Quran", while referring to some verses, he stated that "Happiness has a special place in the Quran and is approved and emphasized in various ways.

However, the focus of the present research is to investigate the "Reading the Co-occurrences of the Cause of Praised Happiness and Its Conceptualization in Verses and Narrations: A Case Study of the Words "Ḍaḥk", "Dā'ib", "Farḥ", and "Surūr."

3. Methodology

The first step in semantics is to recognize the individual words, because some words change or transform when they are combined with others. The contemporary period, with the advent of methods of literary criticism, linguistics, and semantics, has provided us with new and different tools with new applications for discovering the pearls of the boundless sea of the Quran. The text of the Quran is a text full of linguistic and semantic complexities that was revealed at a specific

time and in a specific cultural-historical context. Therefore, paying attention to causal compounds is of great importance in order to reach the true meaning of the Quran. Therefore, this article reviews the views of Firth and Palmer in the field of theoretical linguistics, and in the field of applied linguistics, and then analyzes and describes the conceptualization of this linguistic phenomenon in the words denoting the concept of happiness.

4. Conclusion

Faith and contentment, a reliable support, good humor and love, and avoiding fleeting pleasures are among the causal compounds related to praiseworthy happiness. In addition, in the study of the words and terms corresponding to happiness, 17 words corresponding to the concept of happiness have been found in the Quran and narrations, of which the words Farḥ (in the verses and narrations), Dā'ib (in the narrations), Surūr (in the verses and narrations) and Ḍaḥk (in the verses and narrations) are among the common words that have been used in the concept of praiseworthy happiness and blameworthy happiness.

- "Ḍaḥk" in the Surah al-‘Abas with the meaning of "Radiant face" and in the narrations with the meaning of "the face of a believer, dignity and magnanimity, giving charity", means praiseworthy and moderate joy, and manifests itself with truth, forgiveness and faith.

- "Dā'ib" in the narrations is linked to the concept of "Good humor", and is a branch of good humor or one of the characteristics of a believer, which is considered as a distinguishing factor between believers and hypocrites, and it causes the spread of happiness among believers. However, whenever it goes beyond good humor and becomes tantamount to frivolity, it is considered blameworthy happiness.


- "Farḥ" in the verses is associated with the concept of "Good news, mercy and comfort" and in the narrations with the concept of "kindness to orphans, good humor towards children, peace, good news and comfort". Farḥ is sometimes depicted as one of the gates of Paradise or as a house in Paradise, and it is a divine reward that those who are kind to children can enter.

- "Surūr" in one verse of the Quran is associated with the concept of "Peace and comfort" and in the narrations with the concept of "faith,

good news and comfort, good social interaction, and faith". It has two individual and social approaches to the meaning of praiseworthy and moderate happiness, and manifests itself with truth and faith.

Keywords: Conceptualization Of Praised Happiness, Co-occurrence of Words, Causal Compounds, Quran, Narrations.

خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات؛ بررسی واژه‌های ضحک، داعب، فرح، سرور

فرهاد محمدی نژاد  * | استادیار گروه معارف و الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

قرآن، معجزه جاودان اسلام ابعاد گوناگونی از اعجاز بیانی را دارا است. هدف از تحقیق حاضر طرح و توصیف مفهوم با هم آیی شادی در قرآن کریم و روایات و توجه به نقش ترکیبات هم‌آیند در مسائل کاربردی است. شادی در قرآن و احادیث، به دو بخش ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود. شادی ممدوح شادی توأم با اهداف الهی و انسانی بوده که انسان در آن از نظر روحی، سبک‌بال شده و از شرایطی که در آن قرار گرفته است رضایت، کسب می‌کند؛ حال سؤال این است واژه‌های دال بر شادی ممدوح در قرآن به لحاظ مفهوم‌شناسی چه معنا، ابعاد و ویژگی‌هایی دارد؛ پژوهش حاضر به بررسی تحلیلی-توصیفی همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات می‌پردازد. از این رو، در مقاله حاضر، در حوزه نظری مروری بر آرا زبان‌شناسی فرث، پالمر، در حوزه زبان‌شناسی کاربردی، داشته و در ادامه به تحلیل و توصیف مفهومی این پدیده زبانی در واژه‌های دال بر مفهوم شادی، می‌پردازد. نتایج بیانگر این است که یقین و رضامندی، نقطه اتکای مطمئن، خوش رویی و محبت و دوری از شادی‌های ناپایدار، از جمله همایندهای علی مرتبط با شادی ممدوح است. هفده واژه متناظر با مفهوم شادی در قرآن و روایات بکار رفته، که برخی جزء واژگان مشترکی بوده که هر دو مفهوم شادی ممدوح و مذموم را مد نظر داشته است. یکایک این واژگان دارای افتراق و تمایزهایی است که موجب امتیاز به کارگیری هر یک در موقعیت خاص و معین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مفهوم‌شناسی شادی ممدوح، با هم آیی واژگان، همایند علی، قرآن کریم، روایات.

۱. مقدمه

آیات قرآن متشکل از مجموعه‌های به هم پیوسته از کلمات یا واژگانی است شکل یافته‌اند که پرداختن به آن از منظر مفهوم‌شناسی به فهم مبانی قرآنی کمک می‌کند. بدون مفهوم-شناسی دقیق واژگان، پژوهشگر نمی‌تواند به مفهوم صحیحی از قرآن دست یابد و از دریافت ابعاد آن محروم می‌ماند.

اولین مرحله در معناشناسی، شناخت مفردات آن است؛ زیرا برخی الفاظ در روند با هم آیی خود دچار تحوّل یا تغییر می‌شوند. دوره معاصر با آغاز روش‌های نقد ادبی، زبان‌شناسی، و معناشناسی، ابزارهای جدید و متفاوتی با کاربری‌های نو در اکتشاف گهرهای دریای بی‌کران قرآن کریم فرا روی ما قرار داده است. متن قرآن، متنی سرشار از پیچیدگی‌های زبانی و معنایی است که در زمانی مشخص و در بستر فرهنگی-تاریخی خاصی نازل شده است. لذا پرداختن به همایندهای علی در راستای رسیدن به معنای حقیقی قرآن اهمیت بسزایی دارد.

شادی به معنای خوشی و خرمی، سرور، تازگی، طراوت، شادمانی، سرزندگی، زنده‌دلی، سبکی و چالاکی، طرب، خرسندی، خجستگی، کامروایی، رغبت درونی، ضد افسردگی و نظیر آن، در نظر گرفته شده است (معین، ۱۳۸۱: ۲۶۳). شادمانی که هدف مشترک افراد است و همه برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، عبارت است از: ارزش‌یابی افراد از خود و از زندگی‌شان. نگاهی اجمالی به متون دینی نشان می‌دهد که اسلام، دین شادی و حلاوت و نشاط‌های پایدار است، اما شادی آمیخته با فساد را تجویز نمی‌کند و برای مسلمانان، سبک‌سری و هرزگی را به بهانه‌ی شادی روا نمی‌دارد تا آنجا که رستگاری مومنان در پرتو رعایت آن استوار شده است: « قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ.. وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ » (المؤمنون: ۱-۳) به راستی که مؤمنان رستگار شدند ... و آنان که از بیهوده رویگردانند

به عبارت دیگر، شادی‌هایی که مزاحم و مانع شادی پایدار انسان نباشند، شادی مثبت و رویند؛ اما شادی‌های مزاحم شادی پایدار، ناروا و منفی‌اند در همین رابطه است که می-

خوانش هماندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات...؛ محمدی نژاد | ۴۵

فرماید: «ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ» (غافر: ۷۵) این [عقوبت] به سبب آن است که در زمین به ناروا شادی و سرمستی می‌کردید و بدان سبب است که [سخت به خود] می‌نازیدید.

این آیه، به روشنی نشان می‌دهد که شادی‌های زندگی، دو دسته‌اند: شادی‌های ممدوح و شادی‌های مذموم.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تا جایی که نگارنده بررسی نموده، در این زمینه کتاب یا مقاله مستقلی تألیف نشده، اما پژوهش‌های با رویکرد گردآوری قرآن به صورت کلی تألیف شده است. از جمله عبارتند از:

الف. محمدی ری شهری، ۱۳۹۱: در کتاب الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث، به گردآوری برخی آیات و احادیث که دلالت بر شادی می‌کند، پرداخته است و همچنین وی به موانع شادی و درمان اندوه، عوامل و آداب شادی می‌پردازد.

ب. مردانی نوکنده، ۱۳۹۱: مجله حبل‌المتین: در پژوهشی با عنوان «چیستی و ماهیت شادی در قرآن و روایات و راهکارهایی برای شاد زیستن» عنوان کرده دین اسلام که به تمام نیازهای روحی و جسمی انسان توجه داشته، موضوع شادی را نیز مورد توجه قرار داده است.

ج. رزمی، ۱۳۹۳: در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی آیات امید بخش قرآن با تاکید بر تقویت روحیه جوانان» به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از آیات و روایات و «با هدف تقویت روحیه انسان‌ها، خصوصاً جوانان برای بنای جامعه‌ای موفق، مستقل و پرتلاش» به تبیین آیه‌ای از قرآن می‌پردازد.

د. ویسی، ۱۳۹۲- نشریه نوگرا: در پژوهشی با عنوان «شادی و سرور از دیدگاه قرآن» ضمن اشاره به برخی آیات، عنوان کردند که «شادی در قرآن دارای جایگاه خاصی است و به گونه‌های مختلف مورد تأیید و توجه قرار گرفته است.

ه. رضایی، ۱۳۸۹: در پایان نامه ی خود با عنوان «شاخص ها و مصادیق تفریح و تفرج سالم از منظر قرآن و روایات» به اهمیت و جایگاه مهم تفریحات سالم و نقش سازنده ی آن در جوامع بشری پرداخت و لزوم پرداختن به آن به ویژه در جهان امروز که عصر پیشرفت علم و فناوری و عصر ارتباطات سریع جوامع بشری است را مورد تأکید قرار داد. ضمن بررسی آثاری که در این حوزه کار شده و ضمن اشاره به مقالات مشابهی که با عنوان شادی روا و ناروا یا شادی مطلوب یا غیر مطلوب و... ولیکن امتیاز جستار حاضر بر این بوده که ضمن استخراج واژگان متناظر بر مفهوم شادی، به بررسی همایندهای علی و مفهوم شناسی شادی ممدوح در پرتو آیات و روایات می پردازد.

اما تمرکز پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی «خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم شناسی آن در آیات و روایات؛ مطالعه موردی واژه های ضحک، داعب، فرح، سرور» پردازد.

۱-۲. پرسش پژوهش

مقاله حاضر پاسخ به سؤال ذیل را مد نظر دارد:

الف. بر مبنای رابطه مفهومی، چند ترکیب همایندی مرتبط با شادی ممدوح قابل بررسی و استخراج است؟

ب. در قرآن کریم و روایات چه شماری از واژگان بر شادی ممدوح دلالت دارد؟

ج. شادی ممدوح و مفهوم شناسی آن در قرآن کریم و روایات، چگونه قابل بررسی می باشد؟

د. بر مبنای رابطه مفهومی، چهار ترکیب همایندی مرتبط با شادی ممدوح استخراج شد که حکایت از زنجیره به هم پیوسته ای دارد که در کلیت، رابطه این همایندها علت و منشأ شادی ممدوح واقع می شوند.

ه. در بررسی لغات و واژه های متناظر بر شادی، هفده واژه متناظر با مفهوم شادی در قرآن و روایات آمده، که از آن بین، واژه های فرح (در آیات و روایات)، داعب (در روایات)،

خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات...؛ محمدی نژاد | ۴۷

سرور (در آیات و روایات) و ضحک (در آیات و روایات) جزء واژگان مشترکی بوده که در مفهوم شادی ممدوح و شادی مذموم به کار رفته است. و. شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن با رویکرد همایندهای علی و با هم‌آیی قابل بررسی و تفسیر می‌باشد.

۱-۳. روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات؛ مطالعه موردی واژه‌های ضحک، داعب، فرح، سرور مبتنی بر نظریات زبان‌شناسی فرث، پالمر، در حوزه زبان‌شناسی کاربردی، می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

همآیندی یا باهم‌آیی: هم‌نشینی مفهومی که تمایل به ظاهرشدن در کنار یکدیگر دارند، فرایند همآیندی یا باهم‌آیی نامیده می‌شود که نقش سازنده‌ای در شکل‌دهی نظام مفهومی ایفا می‌کند (ر.ک؛ پناهی، ۱۳۸۱ش: ۲۰۰) باهم‌آیی (همآیند) اصطلاحی است که فرث در نظریه معنایی خود مطرح کرده است. او این رویکرد زبانی را معنا بنیاد فرض کرد نه دستوری، و آن را برای نامیدن و مشخص کردن ترکیبات، بر اساس رابطه معنایی اصطلاحی و بسامد وقوع آنها در زبان، به کار برد. به نظر او، هم‌نشینی یکی از شیوه‌های بیان معنی است (ر.ک؛ پالمر، ۱۳۷۴ش: ۱۷۰) واژه‌ها در هر یک از هم‌نشینی‌های گوناگون می‌توانند معانی متفاوتی پیدا کنند و ملاک تشخیص جواز با هم‌آوایی را نه تنها معنی انفرادی هر یک از واژه‌ها بلکه عرف زبانی در هم‌نشینی آنها می‌داند.

همآیند علی یا باهم‌آیی علی: به نظر پالمر، یک واژه در هم‌نشینی با واژه‌هایی قرار می‌گیرد که از نظر معنایی با آنها به جهت یا جهاتی سنخیت داشته باشد. بر مبنای رابطه مفهومی، همایندهای مرتبط که حکایت از زنجیره بهم پیوسته‌ای داشته و در کلیت، رابطه این همایندها علت و منشأ مفهوم واقع می‌شوند.

۳. همایندهای علی با شادی ممدوح

واژه‌ها در هر یک از هم‌نشینی‌های گوناگون می‌توانند معانی متفاوتی پیدا کنند و ملاک تشخیص جواز با هم‌آوایی را نه تنها معنی انفرادی هر یک از واژه‌ها بلکه عرف زبانی در هم‌نشینی آنها می‌داند؛ به نظر پالمر، یک واژه در هم‌نشینی با واژه‌هایی قرار می‌گیرد که از نظر معنایی با آنها به جهت یا جهاتی سنخیت داشته باشد. بر مبنای رابطه مفهومی، چهار ترکیب هم‌آوایی مرتبط با شادی ممدوح استخراج شد که حکایت از زنجیره بهم پیوسته‌ای دارد که در کلیت، رابطه این هم‌آوایی‌ها علت و منشا شادی ممدوح واقع می‌شوند که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. یقین و رضامندی

شادمانی در منابع مختلف به معنای خوشحالی، رضایت از زندگی، احساسات مثبت و زندگی معنادار بیان شده است. در لغت نامه دهخدا به خوشحالی، بهجت، مسرت و نشاط و طرب معنی شده است. نشاط و شادی، احساس بهزیستی و رضایتمندی است کنایه از سعادت (مؤسسه لغت نامه دهخدا: ذیل شادی) «یقین و رضامندی» یکی از مفاهیم مهم در معارف اسلامی، و از عوامل سعادت و نقش آن در شادکامی و همچنین یکی از هم‌آوایی‌های علی مرتبط با شادی ممدوح است. در حدیثی از پیامبر خدا (ص) در این رابطه آمده: «إِنَّ اللَّهَ بِحُكْمِهِ وَفَضْلِهِ جَعَلَ الرَّوْحَ وَالْفَرَحَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۴۲۶) خداوند - از روی حکمت و لطف خویش - آسایش و شادمانی را در یقین و خرسندی قرار داد و غم و اندوه را در شک و نا خرسندی [از خدا]. (رک؛ دیلمی، ۱۳۷۶: ۱؛ ۳۳۲).

بنابر این حدیث، یقین و رضامندی، زمینه بروز و علت شادی ممدوح معرفی می‌شود؛ یقین و رضامندی را در روایات از ارکان چهارگانه ایمان شمرده‌اند. ترمذی در کتاب سنن خود از پیامبر خدا (ص) چنین نقل می‌کند:

«مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ رِضَاهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ لَهُ، وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ تَرَكَهُ اسْتِخَارَةَ اللَّهِ، وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سَخَطُهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ لَهُ» (الترمذی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۴۵۵) از نیک بختی فرزند آدم، خشنودی اوست به آنچه خداوند برای او حکم نموده است، و از تیره بختی فرزند

آدم، ترک طلب خیر از خداوند است و [نیز] از تیره بختی فرزند آدم، ناخشنودی اش از حکم خداوند درباره اوست.

واکنش به قضا و قدر الهی، یا رضامندی (الرضا) یا نارضایتی (سخط) است؛ همان گونه که در روایات، سه واژه قضا، بلاء و نعماء با هم می‌آمدند، سه مفهوم «رضا»، «صبر» و «شکر» نیز در کنار هم ذکر می‌شوند. آمدی، از امام علی (ع) نیز در این باره چنین نقل می‌کند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ هُنَّ: الرُّضَا بِالْقَضَاءِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ، وَالشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۳۱) سه چیز در هر کس باشد، در حقیقت، خیر دنیا و آخرت نصیبش گشته است: خشنودی به قضا، شکیبایی بر گرفتاری و سپاس‌گزاری در آسایش.

رضامندی به صورت کلی یعنی راضی بودن از آنچه خداوند متعال تقدیر می‌کند. اما به صورت عینی و مشخص، یعنی واکنش مناسب به هر کدام نشان دادن؛ و این یعنی این که نسبت به داشته‌ها، «شکر» و نسبت به نداشته‌ها، «صبر» و نسبت به بایدها، «رغبت» و نسبت به نبایدها، «کراهت» داشته باشد.

امام علی (ع)، همایند رضامندی در قناعت و شادی ممدوح را اینگونه بیان می‌دارند: «مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْعَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ، وَتَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَاةِ». (سید رضی، نهج-البلاغه، حکمت ۳۷۱) آن که به اندازه کفاف بسنده کرد، به آسایش دست یافت و در آرامش جای گرفت.

انسان‌های قانع، از رنج و حرص، رها هستند و آسایش را به چنگ می‌آورد و آسودگی و شادابی را تجربه می‌کنند. امام علی (ع) برای رضامندی و سرور ثمره‌ای عنوان می‌کند: «السُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ، وَيُثِيرُ النَّشَاطَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۱۳) شادی نفس را می‌گشاید و نشاط را برمی‌انگیزاند.

بر پایه این سخن، سرور و شادی، حالتی است که در اثر آن، اوّلًا دل و جان انسان باز می‌شود، یعنی آدمی در درون احساس گسترده‌گی و آسایش می‌کند؛ ثانیاً، موجب نشاط، سرزندگی و آمادگی روحی برای کار و تلاش بیشتر می‌گردد.

۲-۳. تکیه گاه مطمئن

یکی از مسائل مهم زندگی ما، داشتن نقطه اتکاست. نقطه اتکای مناسب یکی دیگر از همایندهای علی مرتبط با شادی ممدوح و علت آرامش و شادی می شود. انتخاب تکیه گاه نادرست یا تصور بی پشتوانگی، موجب ناکامی در زندگی، و سرانجام، شکست و اندوه به ارمغان می آورد و شخص با عدم شادکامی و شکست، رو به رو خواهد گشت. بهترین و مطمئن ترین نقطه اتکا، خداوند متعال است؛ زیرا تنها اوست که از همه چیز آگاه است و بر هر کاری توانا و موجب آرامش و سرور وی می گردد؛ به همین جهت، خداوند متعال، تکیه بر فضل و رحمت او را در تأمین شادی، مطمئن تر از تکیه بر ثروت می داند: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸) به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند» و این از هر چه گرد می آورند بهتر است.

تکیه بر فضل و رحمت همایند علی مرتبط با شادی ممدوح بوده و همین مفهوم در آیه ای دیگر بیان می شود: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران: ۱۷۰) به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند شادی می کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند. امام علی (ع) تأکید می - کند:

مَنْ وَثِقَ بِاللَّهِ أَرَاهُ السَّرُورَ، وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْأُمُورَ (المحدث الإربلی، بی تا، ج ۲: ۳۴۶).

هر که به خدا اعتماد کند، خداوند شادمانی نشانش دهد و هر که به او توکل کند، خداوند کارهایش را کفایت کند.

۳-۳. خوش رویی و محبت

خوش رویی و خوش برخوردی، سبب جلب محبت افراد، تألیف قلوب و یکی دیگر از همایندهای علی مرتبط با شادی ممدوح است. امام علی (ع): «أَظْهَرُوا الْبَشَرَ فِيمَا بَيْنَكُمْ، وَالسَّرُورَ فِي مُلَاقَاتِكُمْ» خوش رویی همایند علی شادمانی و رشته دوستی را برقرار می کند:

خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات...؛ محمدی نژاد | ۵۱

سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْبَشَرُ (ر.ک؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۲۶).

این محبت، گاه به صورت کمک به هم‌نوع نمود می‌یابد. پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَضْحَكُ إِلَى الرَّجُلِ إِذَا مَدَّ يَدَهُ فِي الصَّدَقَةِ، وَ مَنْ ضَحِكَ اللَّهُ إِلَيْهِ غَفَرَ لَهُ» (متقی، ۱۴۱۹ق: ۱۶۱۶۶) هرگاه انسان دست خود را به دادن صدقه دراز کند، خداوند عزَّ و جلَّ به رویش لبخند می‌زند و هر که خدا بر او لبخند زند، آمرزیده است.

دست‌گیری هم‌نوع و صدقه دادن، لبخند و شادمانی خداوند را به ارمغان می‌آورد بازتاب آن، شادمانی جاودانه یعنی آمرزش نیکوکاران است. خوش‌رویی و شوخ‌طبعی به عنوان الگویی رفتاری امامان و پیامبران معرفی می‌شود: امام صادق(ع): «فَلَا تَغْلُوبُوا فَإِنَّ الْمُدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ، وَإِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّرُورَ عَلَى أَخِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ» (ر.ک؛ الشیخ الكلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۶۳) این گونه نکنید؛ زیرا شوخی (الْمُدَاعِبَةُ) از خوش‌خویی است و تو بدان وسیله برادرت را شاد می‌سازی. رسول خدا(ص) برای این که کسی را شاد کند، با او شوخی می‌کرد (يُدَاعِبُ).

مزاح گونه‌ای از حسن خلق است، و به وسیله آن شادی در دل برادر مؤمن وارد می‌شود و سبب شادمانی ممدوح می‌گردد. دامنه این شادی، بسیار است: امام کاظم(ع): «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُوراً فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (همان: ۱۹۷) هر کس که بر دل مؤمنی شادمانی وارد کند، خداوند در روز قیامت، قلبش را شاد می‌سازد.

محبت و شاد کردن دل مومن، شادمانی جاودانه را در آخرت تضمین می‌کند. همین مفهوم به گونه‌ای دیگر از امام باقر(ع) آمده: «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِنَا سُوراً فَقَدْ أَدْخَلَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ كَذَلِكَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيْهِ أَدَى أَوْ عَمَّأ» (النوری الطبرسی، ۱۳۶۶ش، ج ۹: ۱۰۰) هر کس مردی از شیعیان ما را شاد کند، آن را مصاحب رسول خدا(ص) می‌گرداند و همچنین است هر کس به او آزار و ناراحتی برساند.

در فرازی دیگر، رسول خدا(ص) می‌فرماید: «لِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ: الْفَرَحُ، لَا يَدْخُلُ فِيهِ إِلَّا مَنْ فَرَّحَ الصَّيَّانَ». (متقی، ۱۴۱۹ش، ج ۳: ۱۷۰) بهشت دری دارد به نام «شادمانی». جز کسی که کودکان را شادمان کرده باشد، از آن وارد نمی‌شود.

ورودی بهشت، بخشیدن شادی، به ویژه به کودکان است یا به نقلی دیگر: رسول خدا(ص) می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يُقَالُ لَهَا: دَارُ الْفَرَحِ، لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرِحَ يَتَامَى الْمُؤْمِنِينَ». (همان: ج ۳: ۱۷۰) همانا در بهشت سرایی است به نام دارالفرح که تنها کسانی به آن در آیند که کودکان را شاد کنند.

از این رو بیانگر این است که ورود به بهشت و شادمانی اخروی با شاد کردن کودکان یا کودکان یتیم، مرتبط است. نیکی و محبت در کلام ائمه بزرگوار به صورت همانندهای علی مطرح می‌شود: امام حسین(ع): «اعلموا أَنَّ الْمَعْرُوفَ يُكْسِبُ حَمْدًا وَيُكْسِبُ أَجْرًا، فَلَوْ رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ رَجُلًا رَأَيْتُمُوهُ حَسَنًا جَمِيلًا، يَسُرُّ النَّاطِرِينَ وَيَفُوقُ الْعَالَمِينَ» (الخلواني، ۱۴۰۸، ج ۱: ۸۱) بدانید که کار نیک، ستایش و ثواب به همراه دارد، اگر مردی را ببینی که کار نیک انجام می‌دهد، او را زیبا و نیکو متصور کنید، پسندیده بینندگان و برتر از جهانیان خواهید دید.

بدانید عمل به معروف سپاس آور است و پاداش به دنبال دارد اگر عمل نیک را به صورت یک مرد مشاهده می‌کردید هر آینه می‌دیدید که آن را خوبرو و زیبا که تماشاگران را دلشاد می‌کرد و اگر کردار بد را مشاهده می‌کردید، می‌دیدید آن را زشت و بدنما که دل‌ها از آن در فرار است و چشم‌ها از دیدنش پوشیده می‌شود.

اثر این کار نیکو و زیبا، تماشاگران را هم شاد می‌سازد و شادی ممدوح و ستوده است. همانند علی محبت و شادمانی تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که یکی از ویژگی‌های مؤمن معرفی می‌شود: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِيهِ دُعَابَةٌ، قُلْتُ وَمَا الدُّعَابَةُ قَالَ الْمَرَاخُ» (طبرسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۹۰) هیچ مؤمنی نیست جز اینکه در او دعابه است، سؤال شد: دعابه چیست؟ فرمود: شوخی کردن.

یا در کلامی دیگر از رسول الله(ص) می‌فرماید: الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ لَعِبٌ، وَالْمُنَافِقُ قَطِبٌ غَضِبٌ. (ابن شعبه، ۱۳۸۰ش: ۴۹؛ مجلسی، ۱۳۸۶ش: ج ۷۷: ۱۵۳) مؤمن، شوخ (دعب) و اهل بازی است و منافق، اخمو و خشمگین.

شوخی طبعی و شادمانی از نشانه‌ها و شاخصه‌های مومن در دنیا معرفی می‌شود. این

خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات...؛ محمدی نژاد | ۵۳

نشانه‌ها تنها به این سرای گذرا محدود نمی‌شود: «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ، ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ» (عبس: ۳۸-۳۹) یا در آیه‌ای دیگر: «وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (انشقاق: ۹).... «إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (انشقاق: ۱۳) چهره‌ها در آن روز، خوشرو و خندان است و علت این سیما، شادمانی و خوش رویی در دنیا است.

۳-۴. موانع شادی پایدار

به نظر می‌رسد شادی‌های ناپایدار به ظاهر و به لحاظ ماهیت تفاوتی با شادی‌های پایدار ندارند، ولی در رویکرد دینی، پیامدهای منفی در شادی‌های ناپایدار متصور است به عبارتی دیگر، این‌گونه شادی‌ها حالت‌های هیجانی زودگذر یا سراب‌گونه و ناپایدار دارند.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مَنْ أَطْرَحَ الْحِقْدَ اسْتَرَّاحَ قَلْبُهُ وَ لُبُّهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ح ۱۹۶۲) هر کس کینه را دور بریزد، قلب و عقلش آسوده گردد.

این که حضرت امام علی (ع) می‌فرماید «أَطْرَحَ الْحِقْدَ» یعنی کینه در دل می‌افتد و شادی ممدوح و پایدار رخت می‌بندد. گاهی انسان در معرض بعضی حالت‌های نفسانی قرار می‌گیرد و چیزهایی به دلش می‌افتد که عمدی هم نیست. اگرچه شادی و لذت کینه ورزی در ابتدا بسیار شیرین و دلپسند جلوه می‌کند، ولی این شادمانی پایدار نمی‌ماند و پیوسته روحش در عذاب و اندوهش رو به افزایش است و نمی‌توان مشخصه شادی پایدار را در آن جستجو کرد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «كَمْ مِنْ شَهْوَةٍ سَاعَةً أَوْرَثَتْ حُزْنَ طَوِيلًا» (الشیخ الكلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۵۱) چه بسا لذت آنی که حزنی طولانی به ارمغان آورد.

از این رو دوری از شادی‌های ناپایدار، یکی دیگر از همایندهای علی مرتبط با شادی ممدوح است و نزدیکی به این شادی‌ها گاه محنت بار است: امام علی (ع): «لَا تَقَوْمُ حَلَاوَةٌ اللَّذَّةَ بِمَرَارَةِ الْأَفَاتِ» (همان: ح ۱۰۸۶۵). شیرینی لذت بر تلخی بلاها مبتنی نمی‌شود.

در واقع، شهوت‌های فانی، هیچ لذت واقعی‌ای ندارند. فقهه‌های مستانه و ناپایدار، سیما‌ی مومن واقعی نیست: رسول خدا (ص) می‌فرماید: «ضَحِكُ الْمُؤْمِنِ تَبَسُّمٌ، وَالْقَرَقَرَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ» (الشیخ الكلینی، ج ۲: ۶۶۴) خنده مؤمن، تبسم است و قهقهه، شیطانی است.

۴. معناشناسی واژگان متناظر با شادی ممدوح

در ادامه بررسی مفهوم شادی ممدوح، نیاز به بررسی جوانب واژگانی و معنایی آن در متون دینی از جمله قرآن می‌باشد. در واکاوی لغات و واژه‌های متناظر بر شادی، که در قرآن و روایات به کار رفته، می‌توان به «سرور، غبطه، جبر، فرح، نضره، بهج، فکاهه، ضحک، هزه، غمز، لمز، همز، مزح، مرح، داعب، هزل و بطر» اشاره کرد. برخی از این واژگان، هم در آیات و روایات، و برخی دیگر تنها در یکی از این متون دینی، به کار رفته است. همانگونه که پیشتر گذشت، هفده واژه متناظر با مفهوم شادی در قرآن و روایات آمده، که از آن بین، واژه‌های فرح (در آیات و روایات)، داعب (در روایات)، سرور (در آیات و روایات) و ضحک (در آیات و روایات) جزء واژگان مشترکی بوده که هر دو مفهوم شادی ممدوح و شادی مذموم آمده است. هر یک از این واژگان در عین اشتراک، دارای افتراق‌ها و تمایزهایی است که موجب امتیاز به کارگیری هر یک در موقعیت خاص و معین می‌شود و لطایفی منحصر به فرد را بیان می‌کند.

۴-۱. ضحک

ضِحْک (به کسر ضاد) و ضَحِک (به فتح ضاد و کسر حاء) از واژگان قرآن کریم به معنای خنده است. بنا بر تعریف برخی از لغت‌شناسان، اگر سرور با صدا باشد تبسم، اگر صدایش از دور شنیده شود، قهقهه، و گرنه ضحک است. به مسخره از روی استعاره ضحک می‌گویند، همچنین ضحک در سرور مجرد و در تعجب نیز استعمال می‌شود (قرشی بنایی، ۱۳۰۷ش، ج ۴: ۱۷۲) قاموس القرآن، به نقل از مجمع می‌آورد که ضحک به فتح ضاد به معنی حیض است (همان: ۱۷۳) راغب اصفهانی گوید: به علت ظاهر شدن دندان‌ها در خندیدن، دندان‌های جلوی را ضواحک گفته‌اند. به مسخره از روی استعاره ضحک گویند. و در سرور مجرد و در تعجب نیز استعمال می‌شود (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۰۱) ضحک در هر دو مفهوم (شادی مذموم و ممدوح) در قرآن و روایات، به کار رفته است که در ذیل به بررسی مفاهیمی که با شادی ممدوح هماهنگی دارد، پرداخته می‌شود:

- «وَجُوهٌ یُّومِنِدُ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ» (عبس: ۳۸-۳۹) چهره‌هایی در آن روز گشاده و

نورانی است خندان و مسرور است

این آیه بیان می‌کند که در آن روز مردم به دو قسم منقسم می‌شوند، قسمی اهل سعادت، و قسمی دیگر اهل شقاوت، و اشاره می‌کند به اینکه هر یک از این دو طایفه با سیما و قیافه‌اش شناخته می‌شود، اهل سعادت چهره‌هایی نورانی و درخشان دارند، که فرح و سرور و انتظار آینده‌ای خوش از آن چهره‌ها هویدا است، پس معنای "مستبشره" همین است که از دیدن منزلگاه خود که به زودی بدانجا منتقل می‌شوند خوشحالند (الطباطبائی، ۱۳۵۱ش، ج ۲۰: ۲۱۰).

بررسی: این آیات، مردم را در قیامت به دو دسته تقسیم می‌کند: اهل سعادت و اهل شقاوت، که هر دو گروه با سیما و چهره‌شان شناخته می‌شوند؛ چهره‌هایی نورانی و درخشان دارند، که فرح و سرور و انتظار آینده‌ای خوش از آن چهره‌ها هویدا است، چون صورت انسان، آئینه سیرت اوست و شادی و غم درونی او در چهره‌اش ظاهر می‌گردد. این سوره با چهره درهم کشیدن در دنیا آغاز و با چهره دود آلوده شدن در قیامت پایان می‌یابد. نکات آیه بیانگر آن است:

الف. چهره باز و خندان یک ارزش است. «مسفره، ضاحکه»

ب. خنده‌های قیامت، بر اساس بشارت به آینده‌ای روشن است. «ضاحکه مستبشره» سرور قیامت در ادامه نیک زیستن دنیوی است؛ به عبارت دیگر نیکو زیستن، شادی ممدوح اخروی است.

ج. صورت اهل ایمان و تقوا، شاد و خندان است. (به قرینه اینکه صورت اهل کفر و فجور، دود آلود است) «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ... وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيَّهَا غَبْرَةٌ» از این رو دین اسلام، گرایش به شادی برآمده از اعمال داشته و شادی ممدوح پاداش اهل ایمان است.

د. از بهترین شیوه‌های مشاهده شادی ممدوح، مقایسه است. «وجوه... وجوه».

ه. شادی برآمده از اعمال نیک، پایدار تر و ممدوح است و از سوی دیگر شادی برآمده از گناه گذرا و نقابی غیر واقعی و یا به عبارتی شادی مذموم است؛ گناه، باعث می‌شود که چهره پاک الهی انسان، با نقابی غیر خندان، زشت و سیاه پوشیده شود. «علیها غبره ترهقها

قتره».

و. «ضاحکه» با مفهوم «چهره نورانی» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح بوده که تبلور اعمال نیک است.

ز. «مستبشره» با خبر شدن از مطلب شادی که از آن بشره و پوست صورت شکفته شود. رسول الله (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَضْحَكُ إِلَى الرَّجُلِ إِذَا مَدَّ يَدَهُ فِي الصَّدَقَةِ، وَ مَنْ ضَحِكَ اللَّهُ إِلَيْهِ غَفَرَ لَهُ» (متقی، ۱۴۱۹ق: ۱۶۱۶۶) هرگاه انسان دست خود را به دادن صدقه دراز کند، خداوند عز و جلّ به رویش لبخند می‌زند و هر که خدا بر او لبخند زند، آمرزیده است.

بررسی: «یضحک» با عمل نیک «صدقه دادن» پیوند خورده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه این کنش رفتاری، مغفرت، ایمان و شادی ممدوح، خودنمایی می‌کند. در این فراز بازتاب رفتار، آنقدر فراتر از عالم انسانی رفته، تا آن که سبب شادی آفریدگار می‌شود تا آنجا که می‌توان گفت شادی برآمده از رفتار نیک پایاتر و وسعت بیشتری دارد.

- امام علی (ع): «إِنْ ضَحِكَ فَلَإِ يَعْلُو صَوْتُهُ سَمِعَهُ (نصیبی، بی تا: ۵۴).

«چون بخندد، صدای خنده‌اش از گوشش فراتر نمی‌رود».

بررسی: «ضحک» با مفهوم «وقار و بزرگ منشی» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال خودنمایی می‌کند به نظر می‌رسد در اینجا برای شادی ممدوح محدوده‌ای ظاهری ترسیم شده که فراتر از آن با وقار اهل ایمان سازگاری ندارد.

- پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «ضَحِكُ الْمُؤْمِنِ تَبَسُّمٌ، وَالْقَرَقَرَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ» (الشیخ الكلینی: ج ۲: ۶۶۴) خنده مؤمن، تبسم است و قهقهه، شیطانی است.

۲-۴. داعب

دَعَبٌ و دَعَابَةٌ به معنای مزاح و شوخی کردن است: دَعَبَةٌ دَعْبًا و دَعَابَةٌ: مَازِحَةٌ. دُعَابَةٌ به معنای مزاح و بازی و سخن مضحک است. مَدَاعِبٌ جمع مَدْعَبَةٍ به معنی دعابه و مزاح است (قرشی بنایی، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۳۸۴) داعب در هر دو مفهوم (شادی مذموم و ممدوح) در

خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات...؛ محمدی نژاد | ۵۷

روایات، بکار رفته است که در ذیل به بررسی مفاهیمی که با شادی ممدوح منطبق بوده، پرداخته می‌شود:

- امام صادق(ع): «فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ أَلْمُدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ، وَإِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّرُورَ عَلَى أَخِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ» «این کار را نکنید (و مزاح را ترک نگویند) زیرا مزاح شاخه‌ای از حسن خلق است، و به وسیله آن شادی در دل برادر مؤمن خود وارد می‌کند و پیامبر(ص) با افرادی شوخی می‌کرد، تا آنها را خوشحال کند».

بررسی: «مداعبه» با مفهوم «خوش اخلاقی» پیوند خورده، و شاخه‌ای از آن به حساب می‌آید و سبب گسترش شادی در بین مؤمنان می‌شود. این شادمانی، شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و ایمان خودنمایی می‌کند.

- «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِيهِ دُعَابَةٌ، قُلْتُ وَ مَا الدُّعَابَةُ قَالَ الْمَزَاحُ» هیچ مؤمنی نیست مگر این که در او دعابه وجود دارد، راوی می‌گوید: سؤال کردم دعابه چیست؟ فرمود: مزاح است.

بررسی: «دعابه» یکی از شاخصه‌های مؤمن معرفی شده است با مفهوم «شوخی طبعی و خوش اخلاقی» همراه شده، و از این تعبیر استفاده می‌شود مؤمنان نباید خشک باشند، و یکی از شاخصه‌های حسن خلق مزاح‌های حساب شده و توأم با تقوا است و هرگاه فراتر از خوش اخلاقی، رود و هم‌تراز سبک سری گردد، شادی مذموم شمرده می‌شود.

رسول خدا(ص) می‌فرماید: الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ لَعِيبٌ، وَالْمُنَافِقُ قَطِبٌ غَضِيبٌ (ر.ک؛ ابن شعبه، ۱۳۸۰ ش: ۴۹، مجلسی، ۱۳۶۸ ش، ج ۷۷: ۱۵۳) مؤمن، شوخ و شنگ است و منافق، اخمو و عصبانی.

بررسی: «دعِب» یا همان خوش اخلاقی از شاخصه‌های معرف مؤمن و «قطب» یا همان ترش‌رویی از شاخصه‌های معرف منافق محسوب می‌شود که به عنوان وجه تمایز مؤمنان و منافقان شناخته می‌شود. «دعِب» با مفهوم «سبک شدن» همراه شده، و به معنای شادمانی مذموم بوده که از حد اعتدال خارج شود و همراه باطل خودنمایی می‌کند.

۳-۴. فرح

«فرح» در لغت مخالف حزن و اندوه است و عبارت است از لذت قلب و روح که ناشی از رسیدن به مطلوب می‌باشد. در بیانی گفته شده «فرح» شرح صدر است به سبب لذت زودگذر که اکثراً بر لذات حسی و دنیوی صدق می‌کند. فَرَح (به فتح فاء و راء) از واژگان قرآن کریم به معنای شادی و شادی توأم با تکبر است و فَرِحَ (به فتح فاء و کسر راء) شادمان متکبر است (ر.ک؛ قرشی بنابی، ۱۳۰۷ش، ج ۵: ۱۵۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۶۲۸) «فرح» در هر دو مفهوم (شادی مذموم و ممدوح) در قرآن و روایات، به کار رفته است که

در ذیل به بررسی مفاهیمی که با شادی ممدوح هماهنگی دارد، پرداخته می‌شود:

«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران: ۱۷۰) به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای آن مؤمنان راستینی که پس از آنانند و هنوز به ایشان نپیوسته‌اند مسرورند که ترسی آنان را فرا نمی‌گیرد و اندوهگین نمی‌شوند.

کلمه "فرح" ضد کلمه "حزن" است، و کلمه "بشارت" و "بشری" به معنای هر خیری است که تو را خوشحال کند، و کلمه "استبشار" به معنای این است که در طلب این باشی که با رسیدن خیری و بشرایی خرسندی کنی و معنای جمله این است که کشته شدگان در راه خدا هم از نظر رسیدن خودشان به فضل خدا و دیدن آن فضل خوشحالی می‌کنند و هم در طلب این خبر خوش هستند که رفقای عقب مانده‌شان نیز به این فضل الهی رسیدند، و آنها نیز خوفی و اندوهی ندارند (ر.ک؛ الطباطبائی، ۱۳۵۱ش، ج ۴: ۶۰).

بررسی: نکات آیه بیانگر این است: شادی شهدا به الطاف الهی است، نه عملکرد خودشان. «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». شهدا زندگی شادی در انتظار دارند، و در انتظار ملحق شدن دیگران هستند. «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ» علاقه به سعادت دیگران و ملحق شدن آنان به کاروان عزت و شرف، یک ارزش و شادی آور است. «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا». شادمانی شهدا، همیشگی است و هرگز غم از دست دادن نعمت یا ترس به دل راه نمی‌دهند. «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» این شادمانی جاودانه است و در عالم برزخ،

خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات...؛ محمدی نژاد | ۵۹

نیز بشارت و شادمانی وجود دارد. «یستبشرون». شهدا به نعمت، شادی و فضلی می‌رسند که برای ما شناخته نیست. کلمه «نعمه» و «فضل» نکره آمده است. «فرح» با مفهوم «بشارت و آسایش» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و ایمان خودنمایی می‌کند. این شادی از جانب خداوند بوده و جاودانه و گسترده بر قلب مؤمن وارد می‌شود.

– «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸) ای پیامبر، بگو: به فضل و رحمت خدا، آری به این دو، که مایهٔ سعادت آنان است شادمان باشند نه به ثروت و امکانات. این از هر ثروتی که فراهم می‌آورند بهتر است.

کلمه "فضل" به معنای زیادت است، و اگر "عطیه" را فضل می‌نامند بدین جهت است که عطاء کننده غالباً چیزی را عطاء می‌کند که مورد احتیاج خودش نیست. معنای آیه بنا بر این احتمال چنین می‌شود: آن موعظه و شفاء ما فی الصدور و هدی که خدای تعالی به عموم انسان‌ها تفضل کرده و آن رحمت که به خصوص مؤمنین داده و آنان را به زندگی طیب رسانیده سزاوارتر است به اینکه به داشتن آن، فرح و سرور داشته باشند تا این اموالی که برای خود جمع می‌کنند. چون خدای تعالی بعد از آنکه مردم را مخاطب قرار داد و از در منت‌گذاری فرمود که: این قرآن برای آنان موعظه و برای بیماری‌های درون سینه آنان شفاء و نیز برای آنان هدایت و برای خصوص مؤمنین ایشان رحمت است، از باب نتیجه‌گیری فرمود: حال که چنین است دیگر جا ندارد کسی به اموالی که جمع کرده خوشحالی کند بلکه سزاوار این است که مردم تنها به این نعمت‌ها خوشحالی کنند، نعمت‌هایی که خدا بر آنان منت نهاد و از باب فضل و رحمتش، آنها را در اختیارشان قرار داد. آری این نعمت‌ها که مایه سعادت آنان است، و بدون آنها سعادت عایدشان نمی‌شود بهتر است از مالی که نه تنها خیری در آن نیست، بلکه مایهٔ فتنهٔ آنان، و چه بسا مایه هلاکت و شقاوتشان است (ر.ک؛ الطباطبائی، ۱۳۵۱ش، ج ۱۰: ۸۲).

بررسی: با توجه به شفاء، موعظه و رحمت بودن قرآن که در آیه قبل بود، ظاهر این آیه آن است که مراد از فضل و رحمت، همان تمسک به قرآن باشد. مومنان به رحمت، شادی و

فضلی می رسند که برای ما شناخته نیست. کلمه «رحمة» و «فضل» نکره آمده است. در روایات، فضل و رحمت، به نبوت و امامت تفسیر شده است. چنانکه فضل به نعمت‌های عام الهی و رحمت به نعمت‌های خاص خداوند تفسیر شده است. نعمت‌های مادی، گاهی سبب فتنه و فساد شده و زود گذر است، ولی نعمت‌های معنوی، پایدار، شادی آور و سبب رشد است. «خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ». این شادی از جانب خداوند و از روی رحمت بر قلب مؤمنان وارد می‌شود.

-امام کاظم(ع): «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورَةَ فَرَحِ اللَّهِ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (الشیخ الكلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۹۷).

هر کس مؤمنی را شاد کند، خداوند در روز رستاخیز، او را بسیار دل‌شاد خواهد کرد. بررسی: «فرح» به مفهوم شادی حقیقی و جاودانه در روز قیامت تعبیر شده است که در امتداد و در نتیجه سرور دنیایی، بر مومن ظهور می‌یابد. این شادی، پاداشی الهی و از جانب آفریدگار بر قلب مؤمن وارد می‌شود به این خاطر که در دنیا، شادی را بر قلب مؤمن وارد ساخته است.

-پیامبر خدا(ص) می‌فرمایند: «لِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ: الْفَرَحُ، لَا يَدْخُلُ فِيهِ إِلَّا مَنْ فَرَّحَ الصَّبِيَّانَ» (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۱۷۰) بهشت دری دارد به نام «شادمانی». جز کسی که کودکان را شادمان کرده باشد، از آن وارد نمی‌شود.

بررسی: «فرح» با مفهوم شادی جاودانه و به عنوان یکی از درهای ورودی بهشت ترسیم شده است و پاداشی الهی است که کسانی که نسبت به کودکان، خوش اخلاقند می‌توانند از این درب بهشتی وارد شوند.

۴-۴. سرور

سرور به معنای شادی است؛ راغب آن را شادی مکتوم در قلب گفته است. در این صورت معنای سر در آن ملحوظ است (قرشی بنایی، ۱۳۰۷ش، ج ۳: ۲۵۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۰۴) سرور در هر دو مفهوم (شادی مذموم و ممدوح) آیات و روایات، به کار رفته است که در ذیل به بررسی آن پرداخته می‌شود:

خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات...؛ محمدی نژاد | ۶۱

«وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (انشقاق: ۹) و شادمان به سوی کسانش (حوریان و خدمتکاران بهشتی) باز می‌گردد.

مراد از "اهل" آنیس‌هایی است که خدا برای او در بهشت آماده کرده، مانند حور و غلمان و غیره، و این معنا از سیاق استفاده می‌شود. ولی بعضی گفته‌اند: مراد از آن، عشیره مؤمن او هستند، که مانند او داخل بهشت شده‌اند. بعضی دیگر گفته‌اند: عموم مؤمنین بهشتی هستند، هر چند که عشیره و خویشاوند او نباشند، چون مؤمنین همه با هم برادرند. ولی این دو قول خالی از بعد نیست (الطباطبائی، ۱۳۵۱ش، ج ۲۰: ۲۴۳).

بررسی: در آیه نهم و سیزدهم، سخن از شادی و سرور در نزد خانواده است. برای سرور منظرهایی را در کتاب مجمع‌البیان نقل کرده‌اند: مراد از سرور اعتقاد و علم به رسیدن نفع به او، و یا دفع ضرر و زیان، از اوست در آینده. و عده‌ای گفته‌اند: سرور معنایی در قلب است که به سبب رسیدن به خواست قبلش لذت می‌برد، می‌گویند خوشحال باش به سبب چنین امری از مال یا اولاد یا وصول بآرزو (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۸۰ش، ج ۲۶: ۳۹۶) ثمره سرور مستانه و غافلانه در دنیا، دوزخ است (غافر: ۷۵؛ انشقاق: ۱۳) و ثمره ایمان و تقوی در دنیا، سرور در میان بستگان در قیامت است. از حضرت علی (ع) درباره آیه «وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» سؤال شد. فرمودند: کسانی که در دنیا اهل و عیال انسان بهشتی بودند، اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود. در قیامت، حساب مردم گوناگون است؛ در روزی که برخی از یکدیگر فرار می‌کنند: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ...» آن که حسابش آسان و جایگاهش بهشت باشد، به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد. «وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (شاید فراریان از یکدیگر، مراد کافران باشند). «مسرور» با مفهوم «آرامش و آسایش» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و رستگاری خودنمایی می‌کند.

– امام علی (ع): السُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ وَيُثِيرُ النَّشَاطَ، الْغَمُّ يَقْبِضُ النَّفْسَ وَيَطْوِي الْأَنْبِسَاطَ (ر.ک؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۰۲۳ – ۲۰۲۴) شادی، انبساط روح می‌آورد و نشاط‌انگیز است. غم، گرفتگی روح می‌آورد و انبساط را در هم می‌پیچد.

بر اساس این گفتار، سرور مقدمه‌ای است که آدمی در دل خود، احساس گسترده‌گی و آسایش می‌کند و او را به کار و تلاش بیشتر سوق می‌دهد. بر این اساس سرور، هیجان مثبت درونی است که انبساط خاطر و پویایی را به همراه دارد.

بررسی: «یسر» با مفهوم «شادی مؤمنانه» همراه شده است به این معنا که شادی از گذر مزاحی شکل می‌گیرد و سبب شادی مؤمنان شده و ستوده شده است. حضرت رسول(ص) جهت از بین بردن اندوه مؤمنان، و جهت شاد کردن دل آنان، شوخی می‌کرد. این شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و ایمان خودنمایی می‌کند.

بررسی: رفتار نیک آدمی با مفهوم «حسن زیستن و رویکرد اجتماعی» همراه می‌شود به این معنا که شادی از گذر تماشای آدمی نیکو و زیبا ظهور می‌یابد. «یسر» با مفهوم «حسن رفتار» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و رستگاری خودنمایی می‌کند.

-امام باقر(ع): «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِنَا سُوراً فَقَدْ أَدْخَلَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ(ص) وَكَذَلِكَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيْهِ أُذًى أَوْ غَمًّا» (النوری الطبرسی، ۱۳۶۶، ج ۹: ۱۰۰) هر کس یکی از شیعیان ما را مسرور سازد، بی‌تردید، پیامبر خدا(ص) را مسرور کرده است، و همین گونه است اگر به او آزار یا اندوهی برساند.

بررسی: مسرور ساختن مؤمنان، سبب سروری می‌شود که از گذر شادی رسول خدا(ص) محقق می‌شود و این شادمانی با مفهوم «بشارت و آسایش» همراه می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

بر مبنای رابطه مفهومی، چهار ترکیب همبندی مرتبط با شادی ممدوح استخراج شد که حکایت از زنجیره بهم پیوسته‌ای دارد که در کلیت، رابطه این همبندها علت و منشا شادی ممدوح واقع می‌شوند؛ یقین و رضامندی، نقطه اتکای مطمئن، خوش رویی و محبت و دوری از شادی‌های ناپایدار، از جمله همبندهای علی مرتبط با شادی ممدوح است.

در بررسی لغات و واژه‌های متناظر بر شادی، هفده واژه متناظر با مفهوم شادی در

خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات...؛ محمدی نژاد | ۶۳

قرآن و روایات آمده، که از آن بین، واژه‌های فرح (در آیات و روایات)، داعب (در روایات)، سرور (در آیات و روایات) و ضحک (در آیات و روایات) جزء واژگان مشترکی بوده که در مفهوم شادی ممدوح و شادی مذموم به کار رفته است.

الف) «ضحک» در سوره عبس با مفهوم «چهره نورانی» و در روایات با مفهوم «چهره مومن، وقار و بزرگ منشی، صدقه دادن» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت، مغفرت و ایمان خودنمایی می‌کند.

ب) «داعب» در روایات با مفهوم «خوش اخلاقی» پیوند خورده، و شاخه‌ای از خوش اخلاقی یا یکی از شاخصه‌های مومن، که به عنوان وجه تمایز مومنان و منافقان شناخته می‌شود، به حساب می‌آید و سبب گسترش شادی در بین مؤمنان می‌شود و هرگاه فراتر از خوش اخلاقی، رود و هم‌طراز سبک‌سری گردد، شادی مذموم شمرده می‌شود.

ج) «فرح» در آیات با مفهوم «بشارت، رحمت و آسایش» همراه شده، این شادی از جانب خداوند بوده و جاودانه و گسترده بر قلب مومن وارد می‌شود و هرگاه فراتر از بشارت و آسایش، رود و هم‌طراز شادی مغرورانه و سبک‌سری گردد، شادی مذموم شمرده می‌شود.

د) «فرح» در روایات با مفهوم «خوش رفتاری نسبت به یتیمان، خوش اخلاقی نسبت به کودکان، آرامش، بشارت و آسایش» همراه شده، این شادی، پاداشی الهی و از جانب آفریدگار بر قلب مؤمن وارد می‌شود به این خاطر که در دنیا، شادی را بر قلب مؤمن وارد ساخته است. فرح گاه به عنوان یکی از درهای ورودی بهشت ترسیم شده است و پاداشی الهی است که کسانی که نسبت به کودکان، خوش اخلاقند می‌توانند از این درب بهشتی وارد شوند و گاه با مفهوم شادی جاودانه و به عنوان یکی از منزلگاه‌های بهشت ترسیم شده است و پاداشی الهی است که کسانی که نسبت به یتیمان، خوش رفتارند می‌توانند به این خانه بهشتی وارد شوند.

ه) «سرور» در یک آیه قرآن با مفهوم «آرامش و آسایش» همراه شده، آن که حسابش آسان و جایگاهش بهشت باشد، اینگونه به سوی خانواده‌اش بازمی‌گردد.

و) «سرور» در روایات با مفهوم «ایمان، بشارت و آسایش، حسن معاشرت، مؤمنانه» همراه

شده، و با دورویکرد فردی و اجتماعی به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و ایمان خودنمایی می‌کند.

ز) بوی خوش، عسل، نگریستن به سبزه و سوارکاری، از زمینه‌های بروز سرور با محوریت فردی می‌باشد.

ح) رفتار نیک آدمی اگر به صورت آدمی مجسم می‌شد نیکو و زیبا ظهور می‌یافت که تماشاگران و اطرافیان از دیدن او مسرور می‌شدند و همچنین مسرور ساختن مؤمنان، آدمی را به درجه‌ای می‌رساند تا به پاداش این سرور، رسول خدا(ص) دل وی را شاد سازد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Farhad Mohammadi Nejad  <https://orcid.org/0000-0002-0341-7501>

منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۳۸۰ش). *تحف العقول عن آل الرسول*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.

پالمر، فرانک. (۱۳۷۴ش). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*. ترجمه کورش صفوی. تهران: نشر مرکز.

پناهی، ثریا. (۱۳۸۱ش). *فرایند باهم آیی و ترکیبات باهم آیند در زبان فارسی*. نامه فرهنگستان.

سال پنجم. شماره ۳. (پیاپی ۱۹).

ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۱۹ق). *سنن الترمذی*. (الجامع الصحیح). قاهره: دار الحدیث.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دار الکتب الاسلامی.

حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۳۶۳ش). *انوار درخشان*. تهران: لطفی.

دیلمی، حسن بن ابی الحسن. (۱۳۷۶ش) *ارشاد القلوب الی الصواب*. ترجمه علی سلگی نهاوندی.

قم: نشر ناصر.

راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۶ق) *المفردات*. دمشق: دارالقلم.

الراغب الاصفهانی. (۱۴۱۶ق). *مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داوودی. بیروت:

الدار الشامیه.

شرتونی، سعید. (۱۳۷۷ش). *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*. اداره کل حج و اوقاف و

امور خیریه

الشیخ الکلینی. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

الطباطبائی، محمد حسین. (۱۳۵۱ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: موسسه الاعلمی

للمطبوعات.

طبرسی، علی بن حسن. (۱۴۱۸ق). *مشکاه الانوار فی غرر الاخبار*. قم: موسسه فرهنگی دار الحدیث.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۰ش). *ترجمه تفسیر مجمع البیان*. ترجمه و نگارش از احمد بهشتی؛

تصحیح و تنظیم موسوی دامغانی. تهران: فراهانی.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵ش). *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*. قم: انتشارات رضی.

قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۰۷ش). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- _____ (۱۳۷۷ش). *مفردات نهای البلاغه*. تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله.
- متقی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۱۹ق). *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۸ش). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- المحدث الإربلی. (بی تا). *كشف الغمه فی معرفه الأئمه*. قم: نشر شریف الرضی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳ش). *حکمت نامه رضوی*. مترجم حمیدرضا شیخی. قم: چاپ و نشر دارالحديث.
- _____ (۱۳۸۷ش). *حکمت نامه امام حسین (ع)*. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث. سازمان چاپ و نشر.
- _____ (۱۳۹۱ش). *الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث*. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث. سازمان چاپ و نشر.
- معین، محمد. (۱۳۸۱ش). *لغت نامه معین*. تهران: زرین.
- الحلوانی، حسین بن نصر. (۱۴۰۸ق). *نزهه الناظر و تنبيه الخاطر*. قم: مدرسه الإمام المهدي (عج).
- نصیبی، محمد بن طلحه. (بی تا). *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول*. بیروت: موسسه البلاغه.
- النوری الطبرسی، میرزا حسین. (۱۳۶۶ش). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: موسسه آل‌البيت (ع).

References

- Holy Quran
- Nahj al-Balagha
- Ibn Shu‘bah, Hasan ibn ‘Alī. (1380). *Tuḥaf al-‘Uqūl ‘an Āli Rasūl*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. (n.d.). *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dar Sadir.
- Palmer, Frank. (1374). *A Fresh Look at Semantics*. Translated by Kourosh Safavi. Tehran: Nashr Markaz.
- Panahi, Thoraya. (1381). The Process of Co-occurrence and Combinations in the Persian Language. *Letter of the Academy*. 5. (3) (Consecutive 19).
- Tirmidhī, Muḥammad ibn ‘Isā. (1419). *Sunan al-Tirmidhī*. * (*al-Jāmi‘ al-Ṣaḥīḥ*). Cairo: Dar al-Hadith.
- Tamīmī Āmidī, ‘Abdul Wāḥid ibn Muḥammad. (1410). *Ghurar al-Ḥikam wa Durar al-Kalim*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.

- Hosseini Hamadani, Sayyid Muhammad Hussein. (1363). *Shining Lights*. Tehran: Lotfi.
- Diylamī, Ḥasan ibn Abī al-Ḥasan. (1376). *Irshād al-Qulūb ilal Ṣawāb*. Translated by Ali Salagi Nahavandi. Qom: Nashr Nasir.
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn. (1416). *Al-Mufradāt*. Damascus: Dar al-Qalam.
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn. (1416). *Mufradāt Alfāḍ al-Quran*. Edited by Ṣafwān ‘Adnān Dāwūdī. Beirut: Dar al-Shamiya.
- Shartūnī, Sa‘īd. (1377). *Aqrab al-Mawārid fī Faṣḥ al-‘Arabīyya wa al-Shawārid*. General Office of Hajj, Endowments, and Charitable Affairs.
- Shaykh al-Kulaynī. (1407). *Al-Kāfī*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Ṭabāṭabā‘ī, Muḥammad Ḥusayn. (1351). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Quran*. Beirut: Al-Alami Press.
- Ṭabrisī, Ali ibn Ḥasan. (1418). *Mishkāt al-Anwār fī Ghurar al-Akḥbār*. Qom: Cultural Institute of Dar al-Hadith.
- Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥasan. (1380). *Translation of the Interpretation of Majma‘ al-Bayān*. Translated and written by Ahmad Beheshti; Edited and organized by Mousavi Damghani. Tehran: Farahani.
- Fattāl Niyshābūrī, Muḥammad ibn Aḥmad. (1375). *Rawḍatul Wā‘izīn wa Baṣīratul Muta‘izīn*. Qom: Razi Publications.
- Qarashī Banābī, Alī Akbar. (1307). *Qāmūs Quran*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- _____. (1377). *Mufradāt Nahj al-Balāghah*. Tehran: Cultural Center of Qibla Publishing.
- Muttaqī, Ali ibn Ḥisām al-Din. (1419). *Kanz al-‘Ummāl fī Sunan al-Aqwāl wa al-Af‘āl*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. (1368). *Biḥār al-Anwār*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Al-Muḥaddith al-Irbilī. (n.d.). *Kashf al-Ghumma fī Ma‘rifat al-A‘immah*. Qom: Sharif al-Razi Publishing.
- Mohammadi Rey Shahri, Muhammad. (1393). *Ḥikmatnāmah Raḍawī*. Translated by Hamid Reza Sheykhi. Qom: Publication and Printing of Dar al-Hadith.
- _____. (1387). *Ḥikmatnāmah of Imam Ḥusayn (As)*. Qom: Scientific and Cultural Institute of Dar al-Hadith. Printing and Publication Organization.
- _____. (1391). *The Model of Happiness from the Perspective of the Quran and Hadith*. Qom: Scientific and Cultural Institute of Dar al-Hadith. Printing and Publication Organization.
- Mo‘in, Mohammad. (1381). *Mo‘in Dictionary*. Tehran: Zarrin.
- Al-Ḥulwānī, Ḥusayn ibn Naṣr. (1408). *Nazhat al-Nāzīr wa Tanbīh al-Khāṭir*. Qom: School of Imam al-Mahdi (AJ).

Naṣībī, Muḥammad ibn Ṭalḥa. (n.d.). *Maṭālib al-Su'ūl fī Manāqib Āl al-Rasūl*. Beirut: Al-Balaghah Institute.
Al-Nūrī al-Ṭabrisī, Mīrzā Ḥusayn. (1366). *Mustadrak al-Wasā'il wa Mustanbat al-Masā'il*. Qom: Institute of Al al-Bayt (AS).

استناد به این مقاله: محمدی‌نژاد، فرهاد. (۱۴۰۳). خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات؛ بررسی واژه‌های ضحک، داعب، فرح، سرور، فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۵(۵۷۵)، ۳۹-۶۸.
DOI: 10.22054/RJQK.2024.70957.2919



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.